

سال دوم

جلسه ۵۰

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۹۰ / ۱۰ / ۱۴ چهارشنبه

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

قول دوم

بزرگی نتند  
حرفی نتند  
هم معنا هستند

قول اول

بزرگی نتند  
حرفی نتند  
دارای معنا نیستند

اقوال در بحث حروف

قول سوم

• بررسی شد

نظریه اول:  
نظریه مرحوم نائینی

• بررسی شد

نظریه دوم:  
نظریه مرحوم اصفهانی

• بررسی شد

نظریه سوم:  
نظریه مرحوم عراقی

نظریه چهارم:  
نظریه مرحوم خوئی

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

## ۶. اشکال دوم مرحوم فاضل

مراد از «تضییق» چه نوع تضییقی است؟

هر کدام از حروف دارای «تضییق خاص» است  
در حالیکه : ایشان خیال کرده تمام حروف «یک معنی» دارند

ما می گوئیم

این اشکال بر مرحوم خوئی وارد نیست  
چراکه : ایشان «مطلق حروف و هیأت» را برای «مطلق تضییق» می داند

## ۷. اشکال اول شهید صدر

تضییق، معلول و مسبب از نسب و ربطی است که بین دو مفهوم پدید می آید.  
اگر حروف دال بر تضییق هستند چه چیزی بر آن ربط دلالت دارد؟

پس : دالی که بر همه مدلول (ربط و تضییق) دلالت کند، موجود نیست.  
پس باید بگویید حروف بر «نسب و ربط» دلالت می کند.  
لذاست که لازم نیست بگوییم مدلول حروف، «تضییق» است

## ما می گوئیم

این حرف، کامل نیست

چراکه : ایشان می خواهند بگویند حروف باید بر سبب (ربط و نسبت) دلالت کنند و الا مدلول کلام کامل نیست

در حالیکه : مرحوم خوئی می توانند بگویند احتیاجی نیست که برای سبب دالی داشته باشیم بلکه همینکه حروف، «ضیق» (مسبب) را بیان کنند، کافی است.

البته می شود به مرحوم خوئی اشکال کرد که:

همانطور که می شود برای «مسبب» وضع کرد، می شود برای سبب هم وضع کرد.

حال : چه رجحانی است که شما می فرمایید برای مسبب وضع شده است ؟

## ۸ اشکال دوم شهید صدر

تخصیص همیشه همراه با معنای حرفی نیست!  
چراکه : قوام معنای حرفی به «ربط و نسبت» است

مثلاً «حرف عطف» در جمله «جاء الانسان و الحيوان»، همراه با تخصیص است  
ولی همین «حرف ربط» در جمله «الحراره و البروده لا يجتمعان» ، همراه با تخصیص نیست

در جمله «تصدق بالدرهم العشرة الا واحداً»، حرف استثناء موجب تخصیص نمی شود.  
چراکه : اگر بخواهد باعث تخصیص شود باید مفهوم عشرة را به «عشره منهای یک» تبدیل کند  
در حالیکه «عشره منهای یک» از حصّه های عشره نیست

در حروف اضراب مثل جمله «إضرب زیداً بل عمراً» و در حروف تفسیر مثل جمله «عندی  
انسان ای حیوان ناطق»، نیز هیچ نحوه حصه سازی وجود ندارد

ما می گوئیم

اضف إلی ذلک «واو» عاطف بین دو جمله «جاء زیدٌ و ذهب عمرو» که هیچ نحوه تخصیصی ندارد